

فیلم سینمایی «موقعیت مهدی»، روایتی اپیزودیک از زمان ازدواج تا شهادت شهید مهدی باکری فرمانده لشکر عاشورا است. فیلم در ژانر بیوگرافیک قرار نمی‌گیرد و تأکید دیگرش بر عملکرد لشکر عاشورا در جنگ است. در اپیزودهای مختلف به معرفی برخی از رزمندگان این لشکر می‌پردازد و سعی دارد با محوریت قرار دادن شهید مهدی باکری، نگاهی هم به دیگر رزمندگان این لشکر داشته باشد. این ویژگی به نظر می‌رسد به دلیل انتخاب برخی اپیزودهای سریال عاشورا برای نسخه سینمایی باشد. اپیزودهایی که قرار است دراماتیک باشد اما نیست. موقعیت‌هایی است جسسته و گریخته و گاهی سهل‌انگارانه از وضعیتی بسیار انسانی که درگیر جنگ و مرگ و زندگی است. اما این موقعیت متناقضی که با زندگی و ازدواج آغاز می‌شود و همان شب با جنگی که بوی مرگ می‌دهد به پایان می‌رسد، نمی‌تواند مخاطب را با خود همراه کند. گویی نه زندگی‌اش جاندار و عمیق است و نه جنگش پشتوانه‌ای برای شناخت شخصیتی درگیر در آن محسوب می‌شود. «موقعیت مهدی» به جای اینکه لحظات دراماتیک زندگی شهیدان باکری را ترسیم کند، اتفاقا بسر به زنگاه از بیان آن طفره می‌رود. کات می‌خورد به اپیزودی دیگر. آنجا که باید بفهمیم مهدی فرمانده لشکر عاشورا در میان جنگ، چگونه زندگی‌اش را آغاز می‌کند، غیاب دوربین و کارگردانی را داریم. در اپیزود بعد که به شکل سر بسته و در لافقه از مشکلات حمید باکری با نیروهای سپاه، اطلاعات ناقصی دریافت می‌کنیم؛



تهیه‌کننده فیلم «مست عشق» حسن کران در تابستان و پاییز امسال خبر داد.

نویسنده فیلمنامه سریال «جناب‌عالی»:

## نوجوانان ایرانی بی‌تی‌اس را دنبال نکنند، چه کنند؟

افراد زیادی معتقدند که اگر کیفیت سریال‌های تلویزیونی پایین است، به علت ضعف فیلمنامه‌هاست، اما رویا خسرونجدی، نویسنده و فیلمنامه‌نویس پساور دارد که این ممیزی‌های صداوسیما است که به کیفیت سریال‌ها و حتی فیلمنامه‌ها آسیب وارد می‌کند و باعث می‌شود مخاطب از تماشای سریال‌های تلویزیونی منصرف شود. خبرانلاین با خسرونجدی که به‌تازگی سریال «جناب‌عالی» با نویسندگی او و کارگردانی عادل تبریزی در تلویویون پلاس به نمایش درآمده گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

**فکر می‌کنید تلویزیون تا چه اندازه به علاقه مخاطبان توجه می‌کند؟**
من فکر می‌کنم که تلویزیون به عنوان رسانه ملی که در دسترس تمامی افراد جامعه است باید بیشتر به نظر مخاطبش اهمیت دهد، گاهی سریالی پخش می‌شود می‌شنوم که مخاطب می‌گوید این چند قسمت است؟ چند طولانی است؟ و چه زمانی به پایان می‌رسد؟ چون هیچ علاقه‌ای به تماشای اثر ندارند.

این موضوع مواجه شدید؟
در سریال «از یادها رفته» فیلمنامه یک چیز دیگر بود و سریالی یک چیز دیگر را به نمایش درآورد، اگر شما فیلمنامه را بخوانید سواً می‌رسید این سریال چه زمانی ساخته خواهد شد؟

**بسیاری معتقدند که فیلمنامه‌های خوب به تلویزیون ارائه نمی‌شود، با توجه به صحبت شما، فیلمنامه‌ها همیشه بی‌محتوا و دارای مشکل نیستند، بلکه این تغییرات زیاد است که به محتوا آسیب می‌رسانند.**
خیلی مواقع این گونه است، حتی من گاهی با دیدن اسم نویسنده سریال باور نمی‌کنم این فیلمنامه را آن شخص نوشت باشد، چون می‌دانم کارش چگونه است و در نهایت هم چیزی که پخش می‌شود، هیچ شباهتی به کار ایشان ندارد.

**از چه زمانی این اتفاق، یعنی سخت‌گیری‌ها و تغییر در محتوای سریال رخ داد؟ چون قرار نیست ما مخاطبان را از تلویزیون برانیم.**
این اتفاق خیلی وقت است که رخ داده، مخاطب تلویزیون اعمال سلیقه دست‌اندرکاران را به این شکل نمی‌پسندد و باید تغییراتی در این چارچوب ایجاد کند، اما متأسفانه کسی هم نیست که به این موضوع رسیدگی کند. این موضوع باعث شد به مرور زمان، نه تنها مخاطب دیگر تلویزیون را دنبال

## نگاهی به فیلم «موقعیت مهدی» موقعیت یک مجنون



باکری با برگرداندن جنازه حمید برادرش- به عقب به دلیل ایجاد تمایز میان برادر فرمانده و دیگر شهیداست. تأکید بر این موضوع، شاید اصلی‌ترین کدی باشد که از شخصیت و منش شهید مهدی باکری در ذهن مخاطب می‌ماند. در کنار این مسئله نکته قابل تاملی که به جایگاه و شخصیت شهید باکری اشاره داشته باشد، در فیلم مطرح نیست. این کد عدم بازگشت پیکر برادر شهید، در نهایت و با پایان‌بندی فیلم گره می‌خورد و مفقود شدن پیکر این شهدا که خود می‌تواند در پیوند با این کد به خلق معنایی نوم و رسوم بینجامد، در حد همین تأکیدها باقی می‌ماند. در اپیزود «من مهدی باکری نیستم»، هم تأکید دوباره دیگری دارد بر اینکه

فرمانده کل لشکر میان پیکر برادر و پیکر دیگر شهدا تفاوتی قائل نشده و رزمنده نوجوان با بغض فریاد می‌زند که من مهدی باکری نیستم. موقعیت مهدی در پیوند با تمایزش از دیگر شهید مهدی باکری در ذهن مخاطب می‌ماند. در کنار باکری با برادرزاده‌اش، مریم -خواهرشان- گلایه این برخورد را با پیکر شهید می‌کند او و در سکوت و دو زانو سر به زیر می‌اندازد. اینجا دوربین است که نظاره‌گرانه بیرون چارچوب در می‌آیستد و او را در نمایی درگیر میان زندگی و جنگ به آنها و دیگر نیروها پیش آمده است، سرنوشت مشابهی را پیدای می‌کنند. بی نام و نشانی پیکرشان در دل جزیره‌ای که با جنون آنها سر و کار دارد. جنونی فارغ از خشونت جنگ.

## اکران «مست عشق» حسن فتحی در تابستان یا پاییز

برگیریم که همینجا از آقایان خزاعی و ایل‌بیگی برای ایجاد این فضا تشکر می‌کنم. البته برای پروانه نمایش زمستان سال قبل درخواست دادیم تا مراحل اداری پیش برود و بخش‌هایی از فیلم‌برداری فیلم هم که باقی مانده بود بهممن و اوایل اسفند سال ۱۴۰۰ تمام شد و هم‌اکنون فیلمس مراحل نهایی آماده‌سازی را طی می‌کند. وی درباره فتحی یک پروژه برحارحش به طول ساخت و سهراب پورناظری برای خوانندگی و ساخت موسیقی فیلم شده‌اند؟ گفت: همکاری آقایان شجریان و پورناظری به دلیل تغییر شرایط مالی میسر نشد. در حال حاضر موسیقی متن توسط فاهیر اتاک اوغلو- از آهنگسازان برجسته ترکیه- ساخته خواهد شد و برای خواننده هم به دنبال گزینه مناسب هستیم و هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌ایم، اما حتماً بخش‌های آوازی به زبان فارسی خواهد بود. به گفته وی فیلم برای نمایش در ایران به زبان فارسی دوبله می‌شود و در ترکیه هم به زبان ترکی دوبله خواهد شد.



تاریخی ایرانی را بسازیم و بچه‌ها این قهرمانان را ببینند، بعد ایده‌پردازی می‌کنند و ذهن آن‌ها به درستی رشد می‌کند. گاهی هم بسیار آسوس می‌خورم. مثلاً در مصاحبه‌ای از یک جوان ۲۳ ساله می‌پرسند چرا ماسک نزدی؟ می‌گوید ۲۳ سال است خدمد هستم و اوچرخم، چرا باید زنده بمانم؟ من دلم برای این افرادی که آرزو و هدف ندارند به درد می‌آید.

این موضوع خیلی دردناک است. ما به خواسته‌های جوانان توجه نمی‌کنیم، چه چیزی به آن‌ها داده‌ایم که توقع داریم بپزیرد؟ من دلم برای این افرادی که آرزو و هدف ندارند به درد می‌آید. این موضوع خیلی دردناک است. ما به خواسته‌های جوانان توجه نمی‌کنیم، چه چیزی به آن‌ها داده‌ایم که توقع داریم بپزیرد؟ من دلم برای این افرادی که آرزو و هدف ندارند به درد می‌آید. این موضوع خیلی دردناک است. ما به خواسته‌های جوانان توجه نمی‌کنیم، چه چیزی به آن‌ها داده‌ایم که توقع داریم بپزیرد؟ من دلم برای این افرادی که آرزو و هدف ندارند به درد می‌آید.

امیرعلی «جناب‌عالی» با بازی امیرحسین رستمی، شخصی است که همه ما حداقل یک‌بار در جامعه امروز جای او بوده‌ایم و هر بار که پیش مسئول یا مدیری در اداره یا شرکتی رفتیم فکر کردیم چقدر نالایق است، پیش خودمان گفتیم اگر من جای این بودم می‌دانستم چه کار کنم، شخصیت امیرعلی این‌گونه شکل گرفت. از تصور آدم‌هایی که اگر جای یک‌نفر دیگر بودند چه‌کاری انجام می‌دادند؟

امیرعلی آدمی است که می‌خواهد همه چیز را درست انجام دهد و خیلی اخلاق‌مدار است، نه می‌خواهد ماینبر بزند، نه کار غیرقانونی انجام دهدد و حتماً می‌خواهد به مقتض برسد، بسیار سواد می‌کشد تا این را متوجه شود که سیاست پیچیده‌ای از این حرفاست. دوستش با یک هم‌اندلس وفاداری است و مسئله‌ای که پیوند این دو نفر را

و کد دیگری برای نشان دادن شخصیت متفاوت و مخلص شهید ندارد و تنها بر این رفتار او تأکید می‌کند تا جایگاه او را در ذهن مخاطب بسازد. حتی در پایان‌بندی فیلم هم اشاره به پیکر بی نشان دو برادر دارد. در اپیزود پایانی اخلاص او را به غربت و تنهایی گره می‌زند. جایی که نیرویی حاضر به حضور در کنار او در جزیره مجنون نیست، همه تأکید دارند که امکان مقاومت نیست اما او همچنان بر آرمان خود برای ماندن در منطقه و تحمل آتش دشمن اصرار دارد. تنهایی او در میان نزارهایی که مانند او تمام قد ایستاده‌اند، می‌تواند معناساز باشد. اینجاست که جای خالی برادر شهید بیشتر از گاهی حس می‌شود. و موقعیت مهدی در این منطقه معنای اصلی خود را پیدا می‌کند. در این موقعیت، در دیالوگی به یکی از رزمندگان می‌گوید: اگر حمید بود الان تنها نمی‌ماندم. این دیالوگ بر اپیزودهای پیشین فیلم اشاره دارد و جدا ماندن و تنهایی آنها را در میان دیگر فرماندهان بیان می‌کند. در صحنه جلسه فرماندهان، مهدی باکری بر مقاومت و امکان آن پافشاری دارد اما دیگر فرماندهان این امکان را نامکنن قلمداد می‌کنند. او می‌گوید اگر امکان مقاومت وجود نداشت، ما الان زنده نبودیم. این دیالوگ تکان‌دهنده، واجد ویژگی تمایزبخشی به شهید باکری است.

تمایزی که از ابتدای فیلم سعی شده بر آن تأکید شود. در بیشتر این تمایز و با قیاسی میان او و دیگران، شرایط و نگاه او را به جنگ و مقاومت بازتاب می‌دهد. بازتابی که به نظر می‌رسد در سینمای امروز کمتر به آن پرداخته شده و فیلم سعی دارد با گفتمان‌های مطرح در جامعه امروز نسبتی برقرار کند. تحسین این مقاومت و نمایش تمام قد او در تنهایی و مقاومتش در فضای شگرونه و خالی از خشونت رقم می‌خورد. عدم نمایش خشونت جنگ و ارتباط آن با مجنون وار در تنهایی مقاومت را پیشه می‌کند، مقاومتی که با عقل و منطق دیگر فرماندهان در تضاد است و او دل به این جنون می‌دهد. در پیوند با کیشنی که در پایان فیلم نوشته می‌شود، حمید و مهدی باکری با اختلافاتی که میان آنها و دیگر نیروها پیش آمده است، سرنوشت مشابهی را پیدای می‌کنند. بی نام و نشانی پیکرشان در دل جزیره‌ای که با جنون آنها سر و کار دارد. جنونی فارغ از خشونت جنگ.

اخبار کوتاه

### انتصاب دو مدیر سینمایی



با حکم رئیس سازمان سینمایی مدیران کل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم و حسین طلائیگی را سه عنوان مدیر کل دفتر نظارت بر مراکز، مشاغل و مجامع» منصوب شدند. به گزارش ایرنا از اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی بنا به پیشنهاد معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی، محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی، طی حکمی روح الله سهرابی را به عنوان مدیر کل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم و حسین طلائیگی را سه عنوان مدیر کل دفتر نظارت بر مراکز، مشاغل و مجامع منصوب کرد. روح الله سهرابی متولد همدان و عضو رسمی کانون کارگردانان ایران است. دوره حرفه‌ای فعالیت‌های او از سال ۱۳۸۷ با ساخت فیلم بلند محدوده ابری آغاز شد. خاستگر و برف دومین فیلم سینمایی سهرابی است که در ژانر دفاع مقدس تولید شد و جوایزی کسب کرد. سرایل ۵۰ قسمتی آرام می‌گیریم از دیگر آثار هنری سهرابی است که در نظرسنجی صدا و سیما، برمخاطب‌ترین سریال سال ۱۳۹۵ تلویزیون لقب گرفت. وی تحصیلات دکتری تخصصی خود را در رشته علوم سیاسی پی گرفت و از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ قائم مقام انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس بوده است. سهرابی علاوه بر تالیف چندین جلد کتاب در زمینه‌های اجتماعی و ادبی، عضویت در شوراهای سیاست‌گذاری، انتخاب و دآوری جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت و عضویت در شورای پروانه ساخت ویدیویی سازمان سینمایی را نیز در کارنامه خود دارد. حسین طلائیگی متولد ۱۳۵۰ از شهید دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته طراحی صنعتی است. مدیرکل دفتر توسعه فناوری سینما، عضو شورای سیاست گذاری جشنواره فیلم فجر، قائم مقام انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس و ... از جمله سوابق مدیریتی اوست. تدریس در دانشگاه، طراحی جلوه‌های ویژه فیلم‌های سینمایی طوفان شن، دایناسور، آتش سبز، مستند شهید کلاه و سریال‌های و پروانه‌ها می‌نوسند، آتش و شبنم، مسافران زمان، هوش سپاه، پنجمین خورشید و نیز، دآوری در جشنواره‌های مختلف از جمله: جشن بزرگ سینمای ایران و جشنواره فیلم و سریال سیما از دیگر فعالیت‌های او است.

### دومین جایزه کتاب تاریخ انقلاب اسلامی در خان پاپانی

آیین پاپانی «دومین جایزه کتاب تاریخ انقلاب اسلامی» سه‌شنبه (۳۰ فروردین) با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. به گزارش ایرنا از روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، در این آیین محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، برگزیدگان، داوران، ناشران آثار منتخب این دوره از جایزه کتاب تاریخ انقلاب اسلامی، مدیران و مسئولان فرهنگی کشور، اندیشمندان، اصحاب فرهنگ و رسانه حضور خواهند داشت. آیین پاپانی دومین جایزه کتاب تاریخ انقلاب اسلامی سه‌شنبه (۳۰ فروردین) ساعت ۱۸ در مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی به نشانی تهران، میدان بهارستان، نرسیده به چهارراه سرچشمه، انتهای کوچه شهید صفری بور برگزار خواهد شد؛ علاقه‌مندان می‌توانند این آیین را از طریق آپارات خانه کتاب و ادبیات ایران به نشانی http://www.aparat.com/https://www.skyroom.khaneketab.ir/پلتفرم اسکا‌ی‌روم به نشانی https://www.skyroom.khaneketab.ir/online/ch/khaneketab/khaneketabv۴۱ تماشا کنند. جایزه کتاب تاریخ انقلاب اسلامی با هدف ارتقای فرهنگ و حافظه تاریخی جامعه اسلامی ایران و حفظ استقلال و هویت فرهنگی، شناسایی و معرفی کتاب‌های برتر در حوزه تاریخ انقلاب اسلامی (ریشه‌ها و پیامدها)، کمک به اعتلای سطح دانش تاریخی و فرهنگ مکتوب، مقابله با تحریف تاریخ انقلاب اسلامی، حمایت و تشویق مؤلفان و پدیدآورندگان متعهد و متخصص سراسر کشور در این حوزه با همکاری خانه کتاب و ادبیات ایران و پژوهشکده تاریخ معاصر برگزار می‌شود.

#### مردی که ۲۹۲ بار یک فیلم را تماشا کرد

یک مرد اهل فلوریدا با ۲۹۲ بار تماشای فیلم «مرد عنکبوتی: راهی به خانه نیست»، موفق شد رکورد بیشترین تعداد تماشای یک فیلم را بشکند. به گزارش

ایرنا، این مرد که رامیرو آلانیس (Ramiro Alanis) نام دارد، از روز پیش‌نمایش مرد عنکبوتی جدید در تاریخ ۱۶ دسامبر تا ۱۵ مارس ۲۰۲۲ (۲۵ آذر تا ۲۴ اسفند ۱۴۰۰) در مجموع ۲۹۲ بار این فیلم دو ساعت و نیمه را تماشا کرد. و این یعنی ۷۲۰ ساعت یا روزی یاز پای یک فیلم نخستین! این دومین بار است که آلانیس در این شاخه رکوردشکنی می‌کند. وی پیش‌تر در سال ۲۰۱۹ با ۱۹۱ بار تماشای فیلم انتقام‌جویان: پایان بازی رکورد جوان کائر از استرالیا شکسته بود. کائر با ۱۰۸ بار تماشای فیلم بوهمین راپسودی این رکورد را در اختیار داشت. سال گذشته شخصی به نام آرنو کالن از فرانسه با ۲۰۴ بار تماشای فیلم کالمبوت: بخش اول رکورد آلانیس را شکست. اما با اکران مردعنکبوتی جدید، آلانیس مصمم شد جای خود را در کتاب رکوردهای گینس پس بگیرد. آلانیس برای رسیدن به این رکورد مجبور شد به مدت سه ماه همه سانس‌های مردعنکبوتی: راهی به خانه نیست را پشت هم ببیند. وی در چند هفته اول، روزانه ۵ بار این فیلم را تماشا کرد. آلانیس سخت‌ترین بخش این رکوردشکنی را تماشای شنبه‌فیلم می‌داند که باعث سردردش می‌شد. آلانیس برای این رکوردشکنی می‌بایست هربار فیلم را از ابتدا تا انتها تماشا می‌کرد و در انیم‌تد حتی حق چک کردن تلفنش را هم نداشت. این مرد آمریکایی می‌گوید ۳ هزار و ۴۰۰ دلار خرج بلیط سینما کرده است و در سانس‌های آخر دیالوگ‌ها را از بر شده بود. مرد عنکبوتی: راهی به خانه نیست به کارگردانی جان واتس با حضور سه شخصیت منفی شناخته‌شده و قدیمی با بازی ویلم دفو (مرد عنکبوتی سال ۲۰۰۲)، آل‌فرد مولینا (مرد عنکبوتی ۳ سال ۲۰۰۴)، جیمی فاکس (مرد عنکبوتی شکفت انگیز ۳ سال ۲۰۱۴) و تینی از ستارگان هالیوودی از جمله تام هالند، زنگنه‌نایا کلمن، بندیکت کامبرج، جیکوب باتالون، مریسا تومی، جان فلویر و بندیکت وانگ، سه نسل از سری فیلم‌های مرد عنکبوتی را هم ترکیب می‌کند. داستان این فیلم گیشه‌پسند از جایی شروع می‌شود که هویت مرد عنکبوتی برای اولین بار فاش شده و پیتر پارکر از دکتر استرنج می‌خواهد به کمک جادو محرمانه بودن را به او برگرداند اما این کار حرفه‌ای در جهان ایجاد می‌کند و قدرتمندترین افراد شروری که تاکنون مرد عنکبوتی در هر جیبانی با آنها مبارزه کرده است، آزاد می‌شوند.

#### معروف‌ترین آهنگساز اوکراین از این کشور گریخت



والنتین سیلوستروف، معروف‌ترین آهنگساز زنده اوکراین، برای فرار از جنگ روسیه، به المان پناهنده شد. به گزارش ایرنا از روزنامه نیویورک تایمز، همزمان با آن جنگ اوکراین و روسیه وارد دومین ماه خود می‌شود، والنتین سیلوستروف، آهنگساز مشهور اوکراینی، همچون میلیون‌ها تن از هموطنانش از خانه به پناهندگی و آوارگی داد. اوایل ماه مارس بود که او و خانواده‌اش با اتوبوس تن به خانه‌شان در یک جفت به لویو رفتند، از آنجا خود را از راه لهستان به برلین رساندند و در آنجا از کیف به دوبلین گریختند. حالا موسیقی ظریف و تسلی بخش سیلوستروف ۸۴ ساله برای مردم جنگ زده اوکراین اهمیت جدیدی پیدا کرده است. کنستانتین سیگو، از دوستان این آهنگساز، می‌گوید: بمباران‌های پوتین مردم، خانه‌ها و موسیقی را ویران کرده است اما سیلوستروف با حس ششوبی باورنکردنی خود دریافته است که قطور می‌توان به موسیقی حیاتی دوباره بخشید. سیلوستروف در سال ۱۹۳۷ در کیف متولد شد. در دهه ۱۹۶۰ با آهنگ‌های پیشروی خود که عرف‌های زیبایی شناختی جماهیر شوروی را به چالش می‌کشید، به شهرت رسید. این آهنگساز برجسته به محدودیت‌ها و امر و نه‌های دولت جماهیر شوروی روی خوش نشان نمی‌داد، وی یک بار در یک گروهی رسمی در سال ۱۹۷۰ لب به اعتراض گشود و همین باعث شد که اتحادیه آهنگسازان اوکراین اخراج شود. وی سه سال بعد دوباره اجازه پیوستن به این اتحادیه را پیدا کرد اما مجازات اعتراض باعث شد از نوشتن آهنگ‌های پر سروصدا به سمت خلق آثار آرام و گرم‌تر نبود. این تغییر منجر به آن شد که سیلوستروف برای بقی دوران شوروی از سیاست دور بماند. در همین دوران بود که جایگاه وی در جهان به تدریج بالا و بالاتر رفت.